

## سند و تاریخچه آن - اسناد رسمی و اعتبار و قدرت اجرایی آن

### بحث لغوی

در زبان فارسی لغت نامه حقوقی تألیف نیافته تا در این خصوص مورد استفاده قرار گیرد لغت نامه های ادبی نیز تعاریف ناقصی از سند دارند علامه دهخدا مینویسد: (سند نوشته ایست که موضوع آن امور مالی باشد) در صورتیکه سند و ولادت و نکاح نامه و طلاقنامه هر یک جزء اسناد و موضوعشان غیر مالی میباشد و آقای دکتر محمد معین سند رسمی را اینطور تعریف میکند: (نوشته ایست که در اداره ثبت اسناد تنظیم شود) این تعریف نیز جامع نیست و چنانچه معلوم خواهد شد فاقد ارزش حقوقی میباشد.

اما ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی میگوید: (سند عبارتست از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد)

در تفسیر این ماده باید گفت مقام دعوی یا دفاع منحصرأ محضر دادگاه نیست زیرا سند در ادارات دولتی و حتی در محاضر اسناد رسمی نیز قابل استناد است مانند اسناد استخدامی و یا فی المثل و کالتنامه رسمی که بموجب آن صلاحیت جهة امضای اسناد رسمی مربوط به بیع و اجاره و غیره بدست میآید و همچنین در روابط سیاسی و اقتصادی بین دولتها قراردادها و عهدنامه ها و مقاوله نامه ها مورد استناد قرار میگیرند بدون اینکه مقام دعوی یا دفاع دادگاههای بین المللی باشد ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی در مقام بیان تعریف سند رسمی میگوید:

(اسنادیکه در اداره ثبت اسناد و املاک یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و برطبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد رسمی است).

فعلا بتجزیه و تحلیل این ماده نمیپردازیم مقصود اینستکه تعریف مذکور که با دخل و تصرف ناشیانه ترجمه متن ماده ۱۳۱۷ قانون مدنی فرائسه میباشد صرفنظر از تقدم و تأخر جملات و یا وحدت و تعدد مواد قانونی در کدهای تمام ممالک دنیا ملاحظه میشود.

## ارمغان حقوق جدید

ارکان سند رسمی و اعتبار متن و تاریخ و قدرت اجرائی و موارد بطلان وصحت آن که کلاً تحت عنوان اسناد رسمی تشکیل فصلی در قانون مدنی و قانون آئین دادرسی میدهد ارمغانیست که حقوق جدید بجامعه بشری عرضه نموده است این ارمغان حقوق جدید علاوه بر اینکه جای خود را در رأس ادله اثبات دعوی باز کرد در سازمانهای اداری و قضائی دنیا تحول عظیمی ایجاد نمود یعنی بدنبال پیدا شدن تعریف سند رسمی و ورود آن در قوانین موضوعه ممالک دنیا تشکیلات و سازمانهای عریض و طویلی بوجود آمد و نضج گرفت و گسترش یافت مثلاً در ایران برای اینکه روابط حقوقی مالی و غیر مالی فیما بین افراد مردم و بین مردم و دولت بصورت سند رسمی تنظیم شود اداره کل ثبت اسناد و اداره کل آمار و ادارات تابعه آنها در شهرستانها و دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و غیره و غیره بوجود آمد و دهها هزار کارمند در ادارات و مؤسسات مذکور اشتغال بکار پیدا کردند و گمان نمیرود هیچیک از مواد قانون مدنی باندازهی ماده ۲۸۷، توانسته باشد نقطه اوج تمایز بین حقوق قدیم و جدید باشد این ماده علاوه بر ایجاد تحول در سازمانهای اداری تأثیرات عمده دیگری در مسائل حقوقی نموده و از آن جمله است:

اولاً - در تعاریف حقوقی بعضی از عقود و ایقاعات رخنه کرد و از ارکان صحت آنها بشمار آمد مانند بیع غیر منقول که اگر تمام ارکان آن بر طبق تعاریف فقه اسلامی صحیح باشد اما بصورت سند رسمی مسجل نشود محکوم بطلان است و در حقیقت بیعی واقع نشده است.

ثانیاً در آئین دادرسی مدنی - دارنده سند رسمی را از تعرض مدعی علیه بصورت انکار و تردید مصونیت بخشید و حمایت نمود و قضات و مأمورین دولتی را مجبور نمود که بان اعتبار دهند و گرنه در محکمه انتظامی تعقیب میشوند و نیز اسناد لازم الاجراء محاکم را سبکبار و اصحاب دعوی را مستغنی از تحمل بار دادرسی طولانی نمود.

ثالثاً - حقوق جدیدی را بنام حقوق ثبت بوجود آورد که روز بروز توسعه بیشتری پیدا میکند و در دانشکدههای حقوق مورد تدریس و تدریس قرار میگیرد.

این سؤال پیش میاید که چطور شد تئوری سند رسمی و قوانین مربوطه آن اینهمه مقبولیت عامه جهانی پیدا نمود و تحولات شگرفی در شئون قضائی

و اجتماعی و سیاسی جوامع مختلف بشری ایجاد کرد با اینکه در حقوق قدیم نه تنها عنوان سند رسمی وجود نداشت بلکه در میان بعضی از ملل حتی سند عادی هم جزء ادله اثبات نبود بلکه تنظیم سند برای ضبط و نگاهداری اقرار و شهادت مرسوم بود. جواب سؤال مذکور از بحث تاریخی مربوط باسناد اینطور استنتاج میشود که تئوری سند رسمی جانشین دوران هرج و مرج ادله اثبات دعوی شد و بسرگردانی آئین دادرسی پایان بخشید و چون مورد نیاز شدید جامعه بود مورد استقبال جامعه نیز قرار گرفت بعبارت دیگر چون از دل برآمده بود بر دلها نشست برای روشن شدن این مطلب بشرح اجمالی تاریخچه اسناد میپردازیم.

### تاریخچه اسناد

این مبحث بسه بخش تقسیم میشود.

#### بخش اول - اسناد در حقوق قدیم اروپا

روش تجاری ملل وحشی قدیم مبادله کالا بکالا بود کاروانهاییکه از شمال افریقا بطرف تمبوکتو میرفتند نمک را با طلا مبادله مینمودند اما وقتیکه مقدار کالا زیاد شد ناگزیر پول متوسل شدند چون کالائی را میبردند که بفروشدند اما خود خریدار کالای آنها نبودند بالنتیجه پول شاخص کالا شد و بتدریج که حواله و برات پیدا شد اسناد نیز شاخص پول شدند هر جا که رونق تجارت بیشتر بود ضرورت وجود سند بیشتر احساس میشد و گاهی وجود عوامل مذهبی و سیاسی پیدا شدن نوعی از اسناد را سبب میگردید مثلاً هائری سوم پادشاه انگلستان قانونی وضع کرد که اگر یک نفر یهودی مسیحی شود اموالش ضبط خواهد شد تا مظهر و نمونه آئین یهود که تمول باشد از میان برود و وسوسه شیطان در قلب جدیدالمدبب نماند و اگر در آئین یهود بماند در آتش افکنده شود و غارت اموالش مباح خواهد بود. یهودیان برای اینکه مخفیانه بتجارت خود ادامه دهند سفته را ابداع نمودند. رم که مرکز حقوق عالم بود ضمناً مرکز تجارت هم بود بالطبع بین دائن و مدیون روابط حقوقی بوجود میآمده در الواح دوازده گانه بقانونی برمیخوریم که دائن میتواند در مقابل استنکاف مدیون او را قطعه قطعه کند و اگر طلبکاران متعددی داشت لازم بود بهر یک از آنها مقداری از اندامهای بریده مقتول را بدهد تا در سال ۶۸۴ رومی کنسولها قانونی وضع کردند که طلبکار بتواند مدیون را بعنوان غلام در خانه خود نگاهدارد سولون این قانون را لغو کرد تا اینجا در

روابط دائن و مدیون نامی ازسند نیست اما در قوانین سولون وصیتنامه کتبی وجود داشته و بعد از آن قوانینی نیز برای حفظ تفوق پدر بر پسر اجازه میداد که پدر برای محروم کردن فرزند خود از ارث میتواند وصیتنامه بنویسد و برای اینکه وصیتنامه صورت قانونی داشته باشد باید در مجلس ملی نوشته شود تا اینکه بعلت افزایش کار و تراکم آن در مجلس ملی مقرر شد وصیتنامه در حضور پنج نفر که هر کدام نماینده یکی از طبقات پنجگانه بودند تحریر شود.

موارد بطلانی برای این قبیل اسناد ملاحظه میشود مثلاً اگر محروم از ارث پسر بود وصیتنامه صورت قانونی داشت و اگر دختر بود وصیتنامه لغو میشد برای اینکه تفوق پدر بر پسر دوام پیدا کند.

سیسرون میگوید وصیتنامه ای بوسیله یک نفر قاضی بنام ورس لغو شد برای اینکه موصی خود را در ردیف هیچ یک از طبقات پنجگانه نام نبرده بود و چون ملیت رومی نداشته انشای وصیتنامه حق او نبوده است.

باز هم در تاریخ قدیم رم بلغت کاپیتولر بر میخوریم که معنی آن بنچاق و سند قدیم ترجمه شد و بفرامین سلاطین و یزیگوت نیز اطلاق میشده اما اثبات صحت کاپیتولر قسم لازم داشته و قسم قاطع دعوی بوده اشخاص شیادیکه میخواستند ارث دیگرانرا تصاحب کنند سند مجعول آورده صحت و اعتبار آنرا با سوگند اثبات کرده و مندرجات سند را بنفع خود اجرا مینمودند تا اینکه مردم از این نحوه محاکمه و سند بستوه آمدند و در سال ۹۸۸ کنراد پادشاه بورگونی با تفاق اوتون دوم پادشاه لمبارد بایتالیا آمدند بزرگان ایتالیا از آنان تقاضای لغو سیستم فوق را کردند اوتون دوم قانونی بدین مضمون وضع کرد :

« اگر دو نفر در خصوص ارثی با هم اختلاف داشته باشند و یکی بخواهد ارث را بوسیله قباله تصاحب کند و دیگری قباله را مجعول و تقلبی بداند در آن صورت اختلاف آنها بوسیله جنگ تن بتن حل خواهد شد و عین این مقررات در مورد اراضی و تیول هم که از طرف نجبا بهستخدامین آنها واگذار میشود باید اجرا گردد و قاطع اختلاف جنگ تن به تن مقرر میگردد و عمال کلیسا هم موظف بر رعایت آن هستند ولی چون روحانیون نمیتوانند بجنگند حامیان آنها بجای آنها جنگ خواهند کرد. »

سیستم زندگی فئودالیتة و نفوذ نجبا و ارباب کلیسا رسم جنگ تن به تن را برای اثبات اصالت سند توسعه و قدرت بخشید.

(ناتمام)